

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل ششم

مندرج در دفتر اول جلد سوم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

(اتحادیه ملی)

۱ فرودین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم ۲
- کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت اردیبهشت ۱۳۴۹ برابر با آوریل- در پاورقی) ۲
- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم ۱۰
- در باره برخی از مسائل اساسی درون جنبش و راه حل آن ۱۰
- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم ۱۳
- کنگره کنفدراسیون دانشجویی فرانکفورت از چه کسانی تشکیل می‌شود؟ ۱۳

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم
مندر ج در دفتر نخست جلد سوم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت اردیبهشت ۱۳۴۹ برابر با آوریل ۱۹۷۰)

کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت اردیبهشت ۱۳۴۹ برابر با آوریل- در پاورقی)

پرولترهای جهان متحد شوید!

دنیایا

در این شماره :

۱
فروردین ۱۳۵۴

- قطعنامه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سی امین سال پیروزی مردم و ارتش شوروی برفاشیسم هیتلری ● امپریالیسم - مسئول جنگ دوم جهانی و تدارک حمله فاشیسم هیتلری به اتحاد شوروی ● پیروزی جهانشمول و تاریخی مردم شوروی در جنگ کبیرمیهنی ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ ● اهمیت و نتایج تاریخی پیروزی اتحاد شوروی برفاشیسم هیتلری و تاءثیر آن در سرنوشت ملل جهان ● دیکتاتوری رضا شاه و سیاست همکاری نزدیک بنا فاشیسم هیتلری ● ایران در زنجیره پیمانهای تجاوزکار امپریالیستی علیه اردوگاه صلح و سوسیالیسم و جنبشهای رهاشی بخش ملی ● سوسیالیسم به عامل تعیین کننده شاهراه تاریخ مبدل شده است ● نقش قاطع پیروزی اتحاد شوروی برفاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن در انقلاب چین ● اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک و تشدید مبارزه مروط بنیادی برانداختن رژیم ضد ملی و دموکراتیک کنونی است *

نشریه سیاسی و تنوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
بنیادگذار دکتر تقی ارانی
سال دوم (دوره سوم)

D O N Y A
Political and Theoretical Organ of
the Central Committee of the
Tudeh Party of Iran
No 1

Price in :	بهای تکفروشی در کتابفروشی ها و کیوسک ها :
U.S.A.	0.4 dollar
Bundesrepublik	1.00 Mark
France	1.50 franc
Italia	250 Lire
Österreich	7.00 Schilling
England	4 shilling

بها برای کسانی که مجله را در خارج از کشور بوسیله پست دریافت میکنند
۲ مارک و معادل آن به سایر ارزها

Tudeh Publishing Centre
" Druckerei Salzland"
325 Staasfurt

حساب بانکی ما :	با ما بپرداز رس زیرمکاتبه کنید :
Sweden	Sweden
Stockholm	10028 Stockholm 49
Stockholms Sparbank	P.O.Box 49034
N: 0 400 126 50	
Dr. Takman	

دنیَا
نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
چاپخانه "زالترلاند" ۳۲۵ شتاسفورت
بها در ایران ۱۵ ریال Index 2

اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک و تشدید مبارزه شرط بنیادی برای برانداختن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی است

لیسم

۱ - در جهان امروز، تغییر چشمگیر و پیوسته تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و برایان امپریا

شرایط را برای رشد و پیشرفت جنبش های رهایی بخش ملی هرروز مساعدتر میسازد .

تحول عظیم تاریخی که با انقلاب کبیرا کثیر آغاز شد با پیروزی خرد کننده اتحاد جماهیر شوروی در جنگ دوم جهانی علیه هارترین نیروهای امپریالیستی یعنی فاشیسم آلمان و ایتالیا و میلیتاریسم ژاپن وارد مرحله ای نوین گردید . ویژگی این مرحله در اینست که صرف نظر از برخی کند شدن های موقت و بعضی عقب نشینی های موضعی محدود در مجموعه جبهه عمومی نیرو علیه امپریالیسم ، تناسب نیروها بسود جبهه متحد ضد امپریالیستی کشورهای سوسیالیستی ، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری و جنبش رهایی بخش ملی در کشورهایی که تا پیش از جنگ بحالت مستعمره و یا نیمه مستعمره باقی مانده بودند با تندی به سابقه و شتاب روزافزون تغییر میابد و نتایج این تغییر تناسب نیروها بطور محسوس هرروز در جلوی چشم همه زحمتکشان و آزادخواهان جهان قرار میگیرد .

هیچکس نمیتواند تغییراتی را که در همین پنج سال اخیر در سراسر جهان و در همین اطراف میهن مادر جبهه آزادی خلق ها و برچیده شدن بساط حاکمیت و پند های تسلط فارتگران سوسیالیستی روی داده نادیده بگیرد .

بد نهال شکست ننگین امپریالیست های امریکائی در جنگ تجاوزکارانه علیه خلقهای هند و چین زنجیرهای اسارت امپریالیستی در یک رشته از کشورهای جهان گسسته و کابوس رژیمهای فاشیستی برانداخته شد ، در پاکستان رژیم فاشیستی - نظامی سرنگون گردید و خلق ۷۰ میلیونی بنگال توانست استقلال سیاسی و آزادی خود را بدست آورد و راه را برای تامین استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی استوار سازد .

در کشورهای افغانستان و حبشه رژیمهای نیمه فاشیستی سلطنتی سرنگون شدند ، با عمل و پشتیبانی نیروهای خلق رژیمهای متمدنی که در راه تامین خواستهای ملی و پیشرفت اجتماعی قدم بر میدارند جای آنها را گرفتند .

در وکشور یونان که ستونهای شرق و غرب پیمان ناتو یعنی پیمان تجاوزکارانه نظامی بلوک کشورهای امپریالیستی را تشکیل میدادند ، رژیمهای فاشیستی و نظامی سرنگون گردیدند . در یونان بساط سلطنت هم با این تغییر برچیده شد و دیرپرتال علیرقم توطئه های پی در پی ارتجاع داخلی که از طرف همه کشورهای ناتو پشتیبانی میشدند نیروهای خلق توانستند هرروز مواضع خود را متحد تر و مستحکم تر سازند .

در سه کشور آفریقائی گینه بیسائو - موزامبیک و آنگولا که آخرین سنگرهای استعمار را تشکیل میدادند نیروهای مسلح خلق که سالهای طولانی با پشتیبانی مستقیم سیاسی و نظامی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و همدردی همه نیروهای متمدنی جهان علیه نیروهای متحد امپریالیسم

(۵۱)

مچنگند به پیروزی در خشانی نائل آمدند و با عزمی راسخ در راه تحکیم استقلال سیاسی و بدست آوردن استقلال اقتصادی خود گام بر میدارند .

این سپاه راه را میتوان با پیروزی های بیشمار دیگری که خلقهای جهان در راه پاره کردن بند های اسارت امپریالیستی در زمینه های اقتصادی بدست آورده اند و بهترین آنها کوتاه کردن دست های خون آلود فارتگرانه مونیپولهای امپریالیستی از ثروتهای ملی کشورهای در حال رشد است و ما هر روز را اخبار جهان نمونه های تازه ای از آنها را می بینیم ، تکمیل کرد .

بدون تردید این پیروزی ها که خود در سنگین تر کردن گف ترزوی تناسب نیروها بسود جنبه متحد ضد امپریالیستی و بزبان فارتگران امپریالیستی مؤثرند تنها در شرایطی میسر هستند که در سال های اخیر در تناسب نیروها بین عمدترین بخش جنبه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی یعنی خانواده کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آن اتحاد شوروی از یکسو و کشورهای اصلی اردوگاه امپریالیستی از سوی دیگر تغییرات فاحشی بوجود آمده است . در این میدان نبرد بین دوسیمستم سوسیالیسم و امپریالیسم ما شاهد آن هستیم که از یکسو ستارود های اقتصاد و اجتماعی و فرهنگی خانواده کشورهای سوسیالیستی هر روز چشمگیرتر میشود و پیشرفت آنها هر روز شتاب بیشتری پیدا میکند و از سوی دیگر نیای امپریالیسم هر روز بیشتر با رشد تناقضات غیر قابل حل داخلی خود در همه زمینه های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی روبرو میگردد و معز سیمستم امپریالیستی در حل این تناقضات بیشتر میشود . نمونه بارز این رسوائی ننگ آورو وضع کنونی ایالات امریکا یعنی بزرگترین کشور امپریالیستی است . در این کشور بحران تولید ، بحران انرژی ، بحران مالی ، بحران اجتماعی بحران اعتماد سراسر جامعه را فرا گرفته است . هم اکنون بیش از ۸۵٪ از مردم کارکن یعنی ۷۵ میلیون نفر بیکار و چند میلیون نیمه کارند و هر روز رسوائی جدیدی گنبدگی سیستم سیاسی این کشور را برملا میسازد . فساد اجتماعی ، دزدی ، آد کشی ، بکار بردن مواد مخدر ، قهشاه تمام مقامات اداری و سیاسی کشور را گرفته ، معاون رئیس جمهور بجرم اختلاس محکوم میشود و فاش میگردد که سازمان های جاسوسی داخلی و خارجی امریکا یعنی همانهایی که کودتای ۲۸ مرداد ایران و کودتای شیلی و نظائر آنها را بوجود آورده اند نه تنها در تمام کودتاها و توطئه های ارتجاعی در سراسر جهان دست اندر کار بوده اند و هستند بلکه در داخل کشور هم حکومتی در خلوت ایجاد کرده و حتی کندی رئیس جمهور خود را کشته اند و بیش از ده سال مانع رسیدگی به پرونده قتل او شده اند .

سازمان ملل متحد نمونه دیگری از تغییر تناسب نیروها بسود جنبه جهانی ضد امپریالیستی و بزبان امپریالیسم است . جلسات این سازمان که روزی بصورت ماشین مسخره رای گیری امپریالیسم امریکا درآمده بود ، امروز چهره بگلی دیگری بخود گرفته و نیروهای ضد امپریالیستی جهان توانسته اند این سازمان را از حالت ابزار برادرانه سیاستهای امپریالیستی در آورند و با برآمد مستقلانه خود توطئه های امپریالیستی را فاش سازند .

اولین نتیجه مستقیم این د و گرایش متضاد رشد روز افزون اعتبار و نفوذ سیستم اقتصاد سوسیالیستی از یکسو و آبروش سازمان سیاسی و اقتصادی کشورهای امپریالیستی است .

دومین و عمدترین نتیجه این تغییر تناسب نیروها گرایش عظیمی است که از چندین باین سو در جهت پائین آمدن و خامت اوضاع بین الطلی دیده میشود . محافل مؤثری از امپریالیسم با این نتیجه رسیده اند که با وضع جدیدی که در تناسب نیروها در جهان بوجود آمده راه دیگری جز تن در دادن به همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی ، چیزی که بیش از ۵۰ سال با سرسختی از آن سر باز میزدند باقی نمانده است . شرط لازم و نتیجه تکامل چنین همکاری عادی شدن مناسبات

(۵۶)

سیاه امپریالیستی و ارتجاعی درآمده است، وظائف بسیار دشوار و غیرنجی در پشاپیش مبارزان راه آزادی و پیشرفت قرار میگیرد.

رژیم شاه و هدايتكنندگان امپریالیستی اش امكانات مالی وقتی فراوانی در اختیار دارند. همه تجارب چند صد ساله سرمایه داری و امپریالیسم جهانی و ویژه فاشیسم جنایتکار هیتلری برای مردم فریب از یکسو و اعمال اختناق سیاه از سوی دیگر کار بی بند و باز سلاح سنتی ارتجاع که بر پایه پراکنده مکن، بجان هم انداز و سرکوب کن، استوار است به وسیله ترین شکل بهره برداری میکنند. اگر بیدار کردن راه بی اثر ساختن و سلاح اول دشمنان خلق یعنی مردم فریب و اختناق سیاسی صرف نظر از شیوه‌هایی که برای آن برگزیده میشود دشواری نیست و عناصر عمده آن که روشنگری همه جانبه و تجهیز نیروهای خلق و در درجه اول زحمتکشان است مورد قبول اکثر مبارزان است. راه مبارزه با سلاح سوم دشمن بسیار دشوار و بیدار کردن آن اهمیت حیاتی برای پیشرفت جنبش انقلابی دارد. شیوه "پراکنده ساز، بجان هم انداز و سرکوب کن" "عمده ترین و پرنده ترین سلاح نیروهای ارتجاعی در شرایطی است که نیروهای خلق ناآگاهند و میتوان به آسانی از ناآگاهی آنان برای این منظور بهره برداری کرد.

سرمایه داری امپریالیستی در کشورهای پیشرفته در درجه اول از این سلاح بهره برداری میکند و از راه‌های گوناگون اختلاف نظرهای بی اهمیت و درجه دوم قشرهای مختلف زحمتکشان را با تحریک بصورت اختلاف عمده در میآورد و آنها را بجان هم میاندازد و زمینه را برای ادامه تسلط فارتگرانه خود استوار نگه میدارد.

عقاید مذهبی، احساسات ملی، سلیقه‌های خانوادگی — همه اینها وسائلی هستند که امپریالیسم و ارتجاع برای پراکنده ساختن و بجان هم انداختن و سرکوب کردن نیروهای خلق بکار بسته است.

فاشیسم هیتلری در آلمان که ساخته هارترین و جنایت بارترین محافل انحصاری امپریالیستی بود برای گمراه کردن طبقه کارگر و برانگیختن بخشی از آن علیه کمونیسم و سوسیالیسم نام حزب خود را: "حزب ملی سوسیالیستی کارگری آلمان"

نامید و هرچم سرخ را بعنوان پرچم خود برگزید و روز اول ماه مه را بعنوان روز جشن ملی انتخاب کرد. این با اسم بود ولی هدف این حزب و ایجاد کنندگان آن نابود کردن کمونیسم و اولین کشور کارگری سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد شوروی و با آن سرکوب جنبش کارگری سراسر جهان و تأمین ادامه هزار ساله فارتگری امپریالیستی در سراسر جهان بود.

بنابر خبری که یونایتد پرس و آژانس فرانسه رس داده اند، شخصی بنام "ژوزف هارتن" به روزنامه نیویورک تایمز "اطلاع داده است که علاوه بر ما موریتیه‌ای جاسوسی که در کانادا انجام داده، این ما موریتیه با و محول شده است که یک گروه "چپ" تحت عنوان "کادرهای مارکسیست — لنینیست ستاره سرخ" تشکیل دهد و وسیله آنها هم در سازمانهای چپ درون کشور هم در مقیاس جهانی رخنه کند. "هارتن" این وظیفه را از ژانویه سال ۱۹۷۲ تا ژوئیه سال ۱۹۷۴ انجام داده است. سازمان امنیت آمریکا این نکته را تصدیق کرده است که "هارتن" یک خبرنگار حقوقي بگیر بوده است که طی این دوران داوطلبانه اطلاعاتی در اختیار آن سازمان میگذاشته است، ولی از توضیح بیشتر در باره چگونگی فعالیت این شخص خود داری میوزد.

یک زن ۳۶ ساله ساکن نیواورلئان نیز به "نیویورک تایمز" اطلاع داده است که در انجام چند ماموریت در خارج از آمریکا با "هارتن" همکاری داشته است. این زن در سال ۱۹۷۱ قبل از سفر

(۵۷)

نیکسون رئیس جمهور پیشین امریکابه پکن بدستور سازمان امنیت امریکا بعنوان عضو یکی از هیئت های نمایندگی عناصر " چپ " امریکا همچنین رفت ومورد پذیرائی چوئن لای قرار گرفت .
 با این خبر گوشه پرد های بسیار ضخیم و پرچین از روی يك دسیسه عظیم تاریخی امپریالیستی دوران مایرداشته میشود .

پیروزی عظیم تاریخی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی نمتهنبا قدرت دولتی امپریالیسم و فاشیسم و ارتجاع را در يك سلسله از کشورها درهم شکست و شرایط چنان مساعدی را بوجود آورد که در این کشورها خلق ها قدرت را بدست گیرند ونظام انسانی سوسیالیستی را جانشین سرمایه داری سازند ، بلکه ضربه ای بهر عمیق تر و شدید تر بیکر امپریالیسم و ارتجاع جهانی وارد ساخت ، ماهیت واقعی کمونیسم و کشور سوسیالیستی را به زحمت کشان جهان شناسانید و امتازه ای را در پیشانی خلق های محروم باز کرد و روشن ساخت ، بهیازن زیادی تمام سلاح های قدیمی ارتجاعی ضد کمونیستی امپریالیسم را کند و بی اثر ساخت . با این پیروزی ونتایج بعدی آن که هر روز بر مردم جهان روشن تر میشود دیگر برای امپریالیسم ممکن نبود که سوسیالیسم و کمونیسم را بصورت هیولائی در آورد وبخشی از زحمت کشان را از آن بترساند .

تحریک از راست علیه سوسیالیسم پیروزمند و در حال پیشرفت در دوران تشدید روز افزون تضاد ها درونی اردوگاه امپریالیستی در بگرمه چندانی بیارنمیاورد . گرایش زحمت کشان دنیا ی سرمایه داری و خلق های محروم کشور های استعمار زده بطرف سوسیالیسم بصورت امواج نیرومند ی در آمد که دیگر امکان مهار کردن وجود نداشت .

در اینجا است که امپریالیسم برای پیش بردن اصل " پراکنده ساز ، بجان هم انداز و سرکوب کن " امتازه ای را برگزید : باین ترتیب دوران تحریک وسیع از چپ علیه سوسیالیسم و کمونیسم آغاز شد . البته این را مایخودی خود چندان تازگی نداشت . در گذشته هم ارتجاع از پروکاتورها در لحظا معینی برای پیش بردن نظریات خود استفاده مینمود ولی تازگی اش در این بود که این شیوه بصورت جهانشمول درآمد .

انحراف گروه مائوتسه درون از راه راستین مارکسیسم - لنینیسم وانترا سیمونالیسم پرولتری و افتادن این گروه به کوره راه ضد انقلابی ناسیمونالیسم تنگ نظرانه وتسلط این گروه بر کشور عظیمی مانند چین توده ای زمینه بسیار مساعدی برای پیش بردن روش حمله از چپ برای محافل امپریالیستی بوجود آورد .

صد ها و هزار ها ژوزف بارتین ها ماموریت یافتند در گوشه های جهان افراد صادق و نا آگاه را بیدام اندازند و زیر نامه های پرطنین :

" گروه مارکسیست - لنینیست - ستاره سرخ "

و بسیاری نامه های دیگر گرد هم آورند . در يك مورد از این آزمایش ما خود شاهد آن هستیم .

در سال ۱۹۶۰ رفقای ما از مونیخ اطلاع دادند که فردی امریکائی بنام سرهنگ دکتر والشن با والین بهرخی از افراد سرشناس دانشجویی ایرانی مراجعه کرده و در مقابل کمک های مالی (از آن جمله بار اول ۲۰۰۰ مارک غرب به مهدی تهرانی دادند) از آنها خواستند که سازمان دانشجویان مونیخ به حزب توده ایران مربوط نباشد وموضع همکونیستی بگیرد - مهدی تهرانی پس از اطلاع افراد ۶۰۰ مارک از این ۲۰۰۰ مارک را به صندوق سازمان دانشجویان داد . ما تصور نمیکیم که مهدی تهرانی امروزامین واقعیت تاریخی را تکذیب نماید .

بعلاوه سرهنگ امریکائی پرسشنامه پلی کی شد ه ای بین عده ای از دانشجویان پخش کرد تا

(۵۸)

با اطمینان از سوابق آنها که توده ای نبوده اند، بشرط آنکه از نظریات حزب توده پشتیبانی نکنند
کما که هزینه تحصیل از طرف مقامات امریکائی به آنها داده شود. این جریان سرآغاز تدارک انشعاب
از حزب توده ایران و ایجاد " سازمان انقلابی حزب توده ایران " گردید که رهبران سرشناس
آن نیکخواه، لاشائی، پارسائزاد، فولادی در مرحله بعدی به صورت کارگزاران رسمی ساواک
درآمدند.

در چنین شرایطی است که مامورین جاسوسان سازمانهای امنیتی امپریالیستی ماموریت می
یابند در سراسر جهان به ایجاد و تقویت :

" گروه کادرهای مارکسیست - لنینیست ستاره سرخ "

دست بزنند که هدف اساسی شان تنهادن زدن هر چه بیشتر به اختلاف نظرهای است که بطور
طبیعی در جریان ساختمان بسیار دشوار و وسیع است در بین گردانهای گوناگون جنبش انقلابی جهان
بوجود میآید و تنهاتر چیرگی بر آنها بر خورد علمی انترناسیونالیستی به حل دشواریهاست در چهار
جوب حفظ مناسبات برادرانه و همدردی و همکاری انقلابی. بدنام کردن اتحاد شوروی، بزرگترین
تکیه گاه جنبش انقلابی جهان آماج اصلی این تحریکات قرار گرفت.

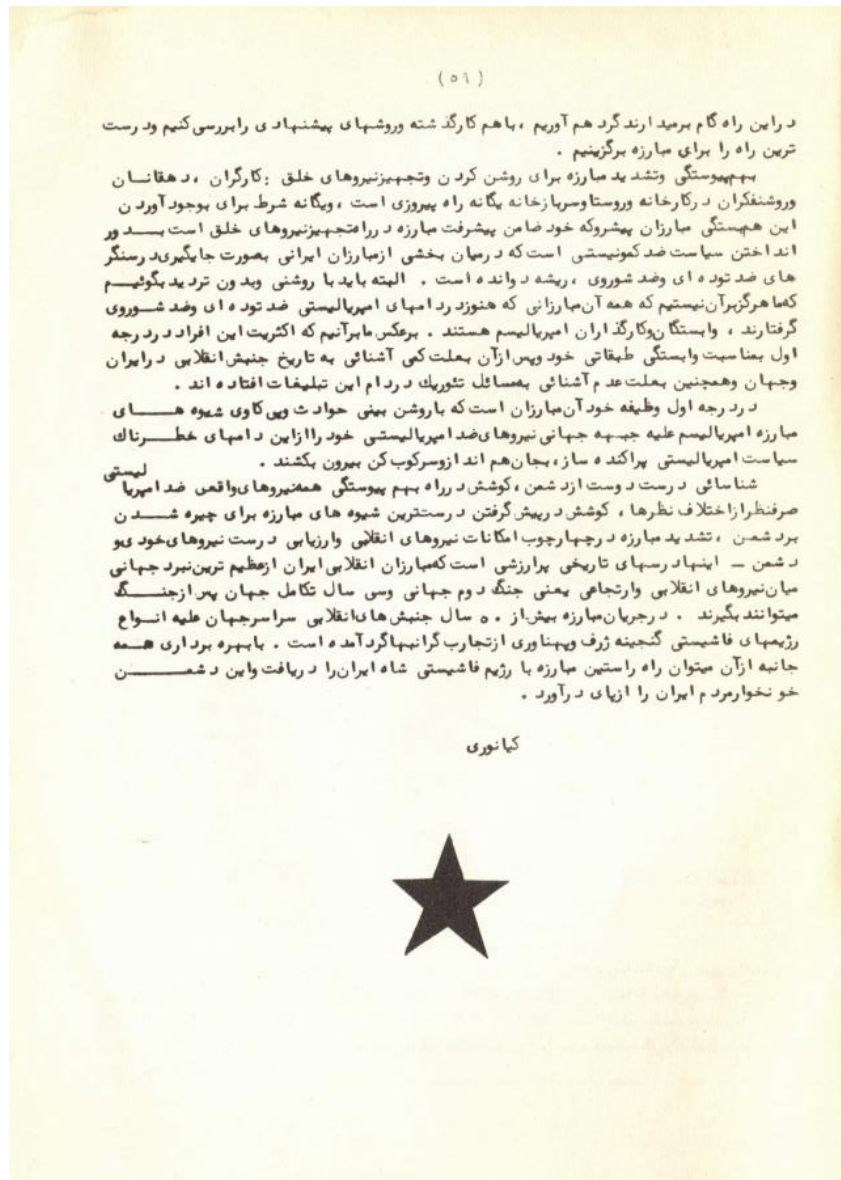
افراد و گروههای ناآگاه بویژه عناصر متزلزل غیر پرولتاریائی در جنبش انقلابی و مخصوصاً روشنفکران
جوان بصورت نیروی ذخیره این تاکتیک امپریالیستی درآمدند.

تعلیقات امپریالیستی که بزرگترین دشمن کین تو مارکسیسم - لنینیسم است هر کس و هر
جریانی را که به اتحاد شوروی بد گوئی کرد بعنوان مارکسیست - لنینیست واقعی و هوادار سوسیالیسم
انسانی به دنیا معرفی کرد.

با کمال تأسف میهن مایکی از آن کشورهاییست که این شیوه شیطانی دشمنان خلق کامیابی های
بسی زیادی بدست آورد و این بدوین تردید ناشی از ضعف عمومی آگاهی نیروهای انقلابی ایران است
که ضعف کار انقلابی حزب توده ایران در سالهای گذشته نیز بخشی از آن میباشد.

جای شادی است که در صفوف مبارزان میهن ما روند آگاهی سیاسی و روشن بینی بطور چشمگیر
در حال پیشروی است و بسیار گیراست اگر توجه کنیم که به شرف این روند در درون کشور یعنی آنجا
که مبارزان در شرایط دشوار بر علیه دشمن جای دارند به مراتب تند تر است تا در میان روشنفکران
ایرانی در کشورهای غربی و در این بخش دوم این واقعیت چشمگیر است که مرکز شد بدترین کینه توزی
علیه اتحاد شوروی و احزاب واقعی کمونیست و حزب مادر است در عهد ترین مراکز قدرت امپریالیستی
است. تصادفی نیست که ایالات متحده امریکا مرکز عهد گروههای " کمونیست " و ترورسکیسم و
آلمان غربی مرکز فعالیت گروه " ستاره سرخ " و گروه " توفان " است و عهد ترین سنگر آنها در مونیخ
مقر فرمانروائی فرانسیس ژوزف اشتراوس است که موموراه و سیاست فاشیستی هیتلری را دنبال میکند.
مهمترین وظیفه کنونی مبارزان واقعی راه استقلال و آزادی ایران، آنان که میخواهند تسلط
امپریالیسم ورژیم سیاه شاه ایران را براندازند اینست که در درجه اول سلاح امپریالیستی و ارتجاعی
پراکنده ساز، بجان هم انداز و سرکوب کین دشمن را در درون نیروهای مبارزی اثر سازند و راههای
ایجاد و تحکیم پیوند اتحاد و همکاری را بجویند و پیوند.

توصیه کنگره ششم کمترین دربارہ لزوم اتحاد و همکاری سازمانهای دموکراتیک علیه فاشیسم بعنوان
اولین و مهمترین شرط برای تجهیز هم نیروهای هوادار آزادی در شرایط کنونی جامعه ایران تمام
و کمال بقوت خود باقی است و مسئله حیاتی و اساسی جنبش انقلابی میهن ما این نیست که چه
گروهی در گذشته بیشتر اشتباه کرده است بلکه این است که ما تا میروهای را که در عمل صادقانه



"انحراف گروه مائوتسه‌دون از راه راستین مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و افتادن این گروه به کوره راه ضدانقلابی ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه و تسلط این گروه بر کشور عظیمی مانند چین توده‌ای زمینه بسیار مساعدی برای پیش‌بردن روش حمله از چپ برای محافل امپریالیستی به وجود آورد.

صدها و هزارها ژوزف بارتنها ماموریت یافتند در گوشه‌های جهان افراد صادق و ناآگاه را به دام اندازند و زیر نام‌های پرطنین "گروه مارکسیست-لنینیست-ستاره سرخ" و بسیاری نام‌های دیگر گردهم آورند. در یک مورد از این آزمایش ما خود شاهد آن هستیم.

در سال ۱۹۶۰ رفقای ما از مونیخ اطلاع دادند که فردی آمریکائی به نام سرهنگ دکتر والتن یا والین به برخی از افراد سرشناس دانشجویان ایرانی مراجعه کرده و در مقابل کمک‌های مالی (از آن جمله بار اول ۲۰۰۰ مارک غرب به مهدی تهرانی دادند) از آنها خواستند که سازمان دانشجویان مونیخ به حزب توده ایران مربوط نباشد و موضع ضدکمونیستی بگیرد- مهدی تهرانی پس از اطلاع افراد ۶۰۰ مارک از این ۲۰۰۰ مارک را به صندوق سازمان دانشجویان داد. ما تصور نمی‌کنیم مهدی تهرانی امروز این واقعیت تاریخی را تکذیب نماید.

به علاوه سرهنگ آمریکائی پرسش‌نامه پلی‌کپی شده‌ای بین عده‌ای از دانشجویان پخش کرد تا با اطمینان از سوابق آنها که توده‌ای نبوده‌اند، به شرط آن که از نظریات حزب توده پشتیبانی نکنند کمک هزینه تحصیلی از طرف مقامات آمریکائی به آنها داده شود. این جریان، سرآغاز تدارک انشعاب از حزب توده ایران و ایجاد "سازمان انقلابی حزب توده ایران" گردید که رهبران سرشناس آن نیکخواه، لاشائی، پارسائزاد، فولادی در مرحله بعدی به صورت کارگزاران رسمی ساواک درآمدند."

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم

مندرج در فصل ششم بخش: (مصاحبه پرویز نیکخواه بخشی از دسیسه برهم زدن کنفدراسیون)

در باره برخی از مسائل اساسی درون جنبش و راه حل آن

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم

مندرج در بخش: (مصاحبه پرویز نیکخواه بخشی از دسیسه برهم زدن کنفدراسیون)

مراجعه کنید به شانزدهم آذر ارگان کنفدراسیون جهانی در تارنمای کنفدراسیون جهانی
۱۶م آذر (شماره ۳ سال ۶/ فروردین اردیبهشت ۴۹-آوریل مه ۱۹۷۰)

"هر نظری که در شرایط کنونی شرکت در مبارزه ضدامپریالیستی جنبش دانشجویی برهبری کنفدراسیون جهانی را تحت عناوین گوناگون وابسته به حل کامل مسائل درونی نماید و یا تحت عنوان روشن نبودن موضوع برای مسائل غیر ضروری و یا حتی کاذب را برای کنفدراسیون عمده جلوه دهد چون در آخرین تحلیل موجبات تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی کنفدراسیون را فراهم می‌سازد نادرست است و باید با آن مبارزه نمود. هر نظری که بدلائل گوناگون و نه از موضع دفاع از دستاوردهای جنبش نقش تشکیلات را در لحظه کنونی بی‌اهمیت قلمداد نموده و یا ضرورت وجود مرکزیت را نفی کرده و یا بدان کم‌بها دهد نه تنها به مبارزه ضدامپریالیستی عمیقاً زیان می‌رساند بلکه حل مسائل درونی را نیز بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد و درست بدین دلیل بایستی طرد گردد. چنین نظریه‌ای در صورتی که بسط یابد بی‌شک می‌تواند تلاشی و انحلال کنفدراسیون را طلب نماید.

ما اطمینان داریم که توده‌های دانشجویی با شرکت هر چه فعال‌تر در مبارزه ضدامپریالیستی ضدارتجاعی به حل مسائل درونی کنفدراسیون نیز اقدام خواهند نمود. زیرا آنچه که ما را در درون این تشکیلات به یکدیگر پیوند داده بمراتب نیرومندتر از آن است که ما را از یکدیگر جدا می‌سازد.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی"

هر نظری که در شرایط کنونی شرکت در مبارزه ضدامپریالیستی جنبش دانشجویی برهبری کنفدراسیون جهانی را تحت عناوین گوناگون وابسته به حل کامل مسائل درونی نماید و یا تحت عنوان روشن نبودن موضوع برای مسائل غیر ضروری و یا حتی کاذب را برای کنفدراسیون عمده جلوه دهد چون در آخرین تحلیل موجبات تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی کنفدراسیون را فراهم می‌سازد نادرست است و باید با آن مبارزه نمود. هر نظری که بدلائل گوناگون و نه از موضع دفاع از دستاوردهای جنبش تشکیلات را در لحظه کنونی بی‌اهمیت قلمداد نموده و یا ضرورت وجود مرکزیت را نفی کرده و یا بدان کم‌بها دهد نه تنها به مبارزه ضدامپریالیستی عمیقاً زیان می‌رساند بلکه حل مسائل درونی را نیز بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد و درست بدین دلیل بایستی طرد گردد. چنین نظریه‌ای در صورتی که بسط یابد بی‌شک می‌تواند تلاشی و انحلال کنفدراسیون را طلب نماید.

ما اطمینان داریم که توده‌های دانشجویی با شرکت هر چه فعال‌تر در مبارزه ضدامپریالیستی ضدارتجاعی به حل مسائل درونی کنفدراسیون نیز اقدام خواهند نمود. زیرا آنچه که ما را در درون این تشکیلات به یکدیگر پیوند داده بمراتب نیرومندتر از آن است که ما را از یکدیگر جدا می‌سازد.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی"

"در باره بخشی از مسائل اساسی درون جنبش و راه حل آن

کنگره دهم کنفدراسیون موفق به انتخاب هیئت دبیران نشد و تدارک کنگره فوق‌العاده را به‌عهده مسئولین موقت گذارد. بدنبال طرح بعضی نظرات در کنفرانس پیش و کنگره بویژه برخوردهای متفاوت نسبت به مسئله انتخابات، هیئت دبیران خود را موظف می‌داند که موضع خویش را در برابر پاره‌ای از نظرات عرضه شده و در این رابطه بطور عمده در باره بخشی از مسائل اساسی درون جنبش و راه حل آن روشن نماید.

جنبش دانشجویان ایران و سازمانش کنفدراسیون جهانی اکنون در برابر مسائل مهمی قرار دارد. شناخت مسائل اساسی، سمت‌دادن به مبارزات در کلیه زمینه‌ها و در این رابطه کوشش بخاطر حل مسائل اساسی، تفکیک مسائل عمده از غیرعمده واقعی از کاذب وظیفه ما در این لحظه می‌باشد.

دقیق‌تر نمودن خط مشی بر مبنای شناخت عمیق خصائل سه گانه کنفدراسیون (ضدامپریالیستی، دمکراتیک و توده‌ای) و بسط آن به کلیه زمینه‌های مبارزاتی، مسئله اتحاد درون جنبش و مبنای آن، مسئله پیوند با جنبش زحمت‌کشان اشکال مشخص این پیوند در هر مرحله و چگونگی حرکت در این سمت و سرانجام مسئله چگونگی برخورد و ارزیابی از سیاست ضدخلقی شوروی از جمله مهم‌ترین مسائل درون جنبش بشمار می‌آیند.

کلیه این مسائل اما بر محور یک مسئله عمده با یکدیگر گره می‌خورند و آن چگونگی خدمت به مبارزه خلق می‌باشد.

ما می‌دانیم که جنبش دانشجویان هرگز به تنهایی قادر به حل تضاد آنتاگونیستی خویش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی نیست. انجام این رسالت تاریخی را اکثریت خلق یعنی زحمت‌کشان میهن ما به‌عهده دارند و آنان نیروی عمده در ایجاد دگرگونی بنیادی در نظام جامعه ما می‌باشند. بر مبنای این تحلیل درست کل جنبش اکنون ضرورت پیوند به مبارزه خلق را درک نموده و بایستی چگونگی حرکت در سمت اجرای این وظیفه تاریخی را بعنوان مسئله اساسی در برابر خود طرح نماید.

دقیق‌تر نمودن خط مشی معنای جز برخورد از این دیدگاه به خصائل سه گانه کنفدراسیون و حاکم نمودن این بینش نو بر جوانب گوناگون مبارزات ما ندارد.

اهمیت مسائلی که کنفدراسیون در این رابطه با آن روبروست نشان می‌دهد که جنبش اکنون برآستی در یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی مبارزاتی خویش قرار دارد. در چنین شرایطی ارزیابی‌های متفاوت از مسائل اساسی درون جنبش، ارائه راه‌حل‌های مختلف و در دوران کوتاهی عمده گشتن مسائل جزئی و یا کاذب و حتی راه‌حل نیافتن برای مسائل اساسی از طرف برخی امریست طبیعی.

اکنون در یک سلسله خطوط نسبتاً مرتبط مهم‌ترین مسائل جنبش ارزیابی شده و در اینجا بایستی سمت حرکت صحیح را جهت حل آنها یافت.

حرکت در سمت حل مسائل اساسی جنبش نمی‌تواند و نباید جدا از مبارزه علیه امپریالیسم و سیاست ضدخلقی شوروی علیه ارتجاع ایران صورت پذیرد.

بلکه درست بایستی از موضع بسط و تعمیق این مبارزه و جهت پیشبرد آن به مسائل اساسی درون جنبش برخورد کرد. بایستی به این امر توجه نمود که مسائل کنونی ناشی از رشد مبارزه عمومی ما علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده و حل آنها در خدمت پیشبرد چنین مبارزه‌ای و ارتقای آن به سطح عالی‌تر است. بدین جهت امر مبارزه عمومی ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی را نمی‌توان تابع حل کامل مسائل درونی جنبش و احیاناً اختلاف نظر در این زمینه دانست.

وابسته نمودن امر مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی در کلیه زمینه‌ها به حل کامل مسائل درونی نتیجه‌ای جز تضعیف این مبارزه و رکود کنفدراسیون نمی‌تواند داشته باشد.

پس دورنمای حرکت ما بایستی چنین باشد. بدون بروز کم‌ترین کاهش در مبارزه سیاسی علیه امپریالیسم و سیاست ضد خلقی شوروی، علیه ارتجاع ایران و بخاطر افشا و طرد خط سازشکار در جنبش بدون بروز کم‌ترین ضعف در مبارزه بخاطر بسیج توده‌های وسیع دانشجوی و حرکت دادن آنان در سمت اجرای برنامه‌های دراز مدت کنفدراسیون در کلیه سطوح با درک تعهد خود در قبال مبارزات خلق در ایران که در مرحله کنونی بمعنی تحلیل این مبارزات و آموزش از آن می‌باشد. و سرانجام بدون کم‌ترین تعلل در دفاع از رزمندگانی که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه نموده‌اند در سمت حل مسائل اساسی درون جنبش گام بر داریم. ما بر آنیم که تنها با قرار دادن چنین دورنمایی در برابر خود و اصولاً در پراتیک مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است که می‌توان مسائل را که خود ناشی از رشد این مبارزه است بدرستی حل کرد. ولی تنها دورنمای داشتن و حتی دورنمای کاملی نیز داشتن کافی نیست. بایستی برنامه‌ریزی نمود و جهت پیاده کردن این برنامه کار کرد. به نظر ما این برنامه در شرایط کنونی بایستی در عین حال که بطور عمده مبارزات ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی را در بر دارد پیشنهادات مشخصی نیز بخاطر حرکت در سمت حل مسائل درون جنبش ارائه دهد.

در این رابطه ما خود را موظف می‌دانیم که به برخی نظرات در این زمینه اشاره نمائیم. ما در بالا گفتیم که بایستی مسائل درون جنبش را در خدمت مبارزه ضدامپریالیستی طرح نمود و بدان برخورد کرد. پیشبرد مبارزه عمومی ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی اما مستلزم وجود تشکیلات است و این خود تنها به هنگام وجود مرکزیتی که فعالیت واحدها را منظم نموده و مبارزه در کلیه سطوح را به یکدیگر ربط داده و در بستر معین هدایت، موجودیت واقعی را دارا است.

تنها و تنها در صورت وجود تشکیلات مرتب است که جنبش دانشجویان ایران می‌تواند برای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع برنامه عمومی دراز مدت تدوین نموده و مبارزه را از صورت کوشش‌های پراکنده و بی‌ثمر در این یا آن نقطه، به سطح یک مبارزه همگانی در زمینه‌های گوناگون دفاعی و فرهنگی و افشاگرانه ارتقاء دهد. تنها در صورت وجود تشکیلات و به هنگام تمرکز امور مبارزاتی است که می‌توان توده‌های وسیع دانشجوی را بسیج و بطور مداوم توطئه‌های رژیم و امپریالیسم را در هم شکنیم. تشکیلات ضدامپریالیستی ما بر پایه اصل ساتنرالیسم دموکراتیک بنا شده طبق این اصل واحدها و فدراسیون‌ها تنها در صورت وجود مرکزیت می‌توانند مبارزاتشان را به یکدیگر پیوند داده و آنرا تبدیل به نیروی پرتوانی جهت ایراد ضربه به امپریالیسم و ارتجاع داخلی نمایند. هیئت دبیران تنها بعلمت داشتن چنین تحلیلی بود که در یکی از حساس‌ترین لحظات مسئولیت پذیرفت، آشکارا اعلام نمود که انتخاب خود را به هیچ‌وجه بمعنی حل مسائل اساسی درون جنبش ندانسته و معتقد نیست که از این پس مبارزه درونی نیایستی ادامه یابد، بلکه این امر تنها حداقل شرایط را جهت حرکت بسمت حل مسائل اساسی آماده می‌سازد. همانگونه که در کنگره یازدهم گفتیم اکنون نیز بار دیگر بایستی نظرات خود را اعلام نمائیم:

ما معتقدیم که اکنون در برابر جنبش یک سری مسائل قرار دارد برخی از آنان در زمره مسائل اساسی بشمار می‌روند و بایستی در طی پروسه‌هایی به حل آنها اقدام نمود. ما درعین حال معتقدیم که حل چنین مسائلی جدا از تقویت و پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی نیست، بلکه بایستی بدان خدمت کند. و این تنها هنگامی میسر است که مجدانه برای حفظ و تقویت تشکیلات جنبش بکوشیم. و سرانجام با حفظ تحکیم تشکیلات جنبش را بویژه در چنین شرایطی تنها در صورت وجود مرکزیت ممکن می‌دانیم.

هر نظری که در شرایط کنونی شرکت در مبارزه ضدامپریالیستی جنبش دانشجویان به رهبری کنفدراسیون جهانی را تحت عناوین گوناگون وابسته به حل کامل مسائل درونی نماید و یا تحت عنوان روشن نبودن مواضع برای مسائل غیر ضروری و یا حتی کاذب را برای کنفدراسیون عمده جلوه دهد چون در آخرین تحلیل موجبات تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی کنفدراسیون را فراهم می‌سازد نادرست است و باید با آن مبارزه نمود. هر نظری که بدلائل گوناگون و نه از موضع دفاع از دستاوردهای جنبش نقش تشکیلات را در لحظه کنونی بی‌اهمیت قلمداد نموده و یا ضرورت وجود مرکزیت را نفی کرده و یا بدان کم‌بها می‌دهد نه تنها به مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی زیان می‌رساند، بلکه حل مسائل درونی را نیز بسیار دشوار و حتی غیر ممکن می‌سازد و درست بدین دلیل بایستی طرد گردد. چنین نظریه‌ای در صورتی که بسط یابد بی‌شک می‌تواند تلاشی و انحلال کنفدراسیون را طلب نماید.

ما اطمینان داریم که توده‌های دانشجوی با شرکت هر چه فعال‌تر در مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی بحل مسائل درونی کنفدراسیون نیز اقدام خواهند نمود. زیرا آنچه که ما را در درون این تشکیلات به یکدیگر پیوند داده بمراتب نیرومندتر از آنست که ما را از یکدیگر جدا می‌سازد."

"هر نظری که در شرایط کنونی شرکت در مبارزه ضدامپریالیستی جنبش دانشجویی بر رهبری کنفدراسیون جهانی را تحت عناوین گوناگون وابسته به حل کامل مسائل درونی نماید و یا تحت عنوان روشن نبودن مواضع برای مسائل غیر ضروری و یا حتی کاذب را برای کنفدراسیون عمده جلوه دهد چون در آخرین تحلیل موجبات تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی کنفدراسیون را فراهم می‌سازد نادرست است و باید با آن مبارزه نمود. هر نظری که بدلائل گوناگون و نه از موضع دفاع از دستاوردهای جنبش نقش تشکیلات را در لحظه کنونی بی‌اهمیت قلمداد نموده و یا ضرورت وجود مرکزیت را نفی کرده و یا بدان کم‌بها دهد نه تنها به مبارزه ضدامپریالیستی عمیقاً زیان می‌رساند بلکه حل مسائل درونی را نیز بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد و درست بدین دلیل بایستی طرد گردد. چنین نظریه‌ای در صورتی که بسط یابد بی‌شک می‌تواند تلاشی و انحلال کنفدراسیون را طلب نماید. ما اطمینان داریم که توده‌های دانشجوی با شرکت هر چه فعال‌تر در مبارزه ضدامپریالیستی ضدارتجاعی به حل مسائل درونی کنفدراسیون نیز اقدام خواهند نمود. زیرا آنچه که ما را در درون این تشکیلات به یکدیگر پیوند داده بمراتب نیرومندتر از آن است که ما را از یکدیگر جدا می‌سازد.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل ششم

مندرج در فصل ششم بخش: (تیر آخر در آستانه کنگره دوازده کنفدراسیون جهانی)

کنگره کنفدراسیون دانشجویی فرانکفورت از چه کسانی تشکیل می‌شود؟

اصطلاح ملی	آژنگ هوایی	بر ملاشدن ماهیت کنفدراسیون
۴۰ - منوچهر مقدم فرزند	کنگره کنفدراسیون	و ارتباط بعضی از گردانندگان آن
محسن (ماینس) طرفدار سازمان	دانشجویی فرانکفورت از چه کسانی تشکیل	با عوامل بیگانه و عدم استقبال
مارکسیست لنینیستی توماس	میشود؟	دانشجویان حقیقی، گردانندگان
۴۱ - ملی رفیعی فرزند غلامرضا		کنفدراسیون را بفکر چاره انداختن
(ماینس) (کادرها) طرفدار چین		که باز می‌تواند سازی قبلی تعدادی از
۴۲ - بهمن نیرومند فرزند		اعضای معدود گروه‌های سیاسی را
حسین (برلین) کمونیست طرفدار		و ادراک نماید در کنگره‌ای که قرار
چین (کادرها)		است در شهر «فرانکفورت» در
۴۳ - مین محمد شمس‌اعز فرزند		تاریخ ۱۸ ر ۱۰ ۳۹ تشکیل گردد
عبدالرحیم (برلین) کمونیست		شرکت کنند.
طرفدار چین (کادرها)		اغلب این افراد که قرار است
۴۴ - ابوالحسن حسینیان فرزند		در کنگره فوق شرکت نمایند از
سید محمد (برلین) کمونیست		کمونیست‌های طرفدار چین هستند
طرفدار چین (کادرها)		که اسامی آنان بشرح زیر اعلام
۴۵ - علی آقا کاظم شورای		میکردند.
فرزند اسداله (برلین) کمونیست		۱ - همدان فرزند علی از
طرفدار چین (کادرها)		کمونیست‌های طرفدار چین از
۴۶ - پروین فرزند خلیل		کالیفرنیا،
شهرت ملکی تبریزی کمونیست		۲ - بهرام فراوانی راد فرزند
طرفدار چین		داود از کمونیست‌های طرفدار
۴۷ - مهدی فرزند محمد علی		چین
شهرت کریم نژاد مهابادی (زرو)		۳ - کامیون قائم مقام فرزند
کمونیست طرفدار چین (کادرها)		نصرالله از طرفداران جبهه با اصطلاح
۴۸ - هوشنگ فرزند روح‌الله		ملی از کالیفرنیا
شهرت امیر پور محمد زاد از فلورانس		۴ - پروین بدری شوکت فرزند
کمونیست طرفدار چین (کادرها)		هوشنگ از کمونیست‌های طرفدار
۴۹ - محمد تقی فرزند عبدالجبار		چین از کالیفرنیا.
شهرت کاتبی (فلورانس) کمونیست		۵ - شهیندخت نظامی نراقی
طرفدار چین (کادرها)		فرزند حسین از کمونیست‌های طرفدار
۵۰ - محمد حسین فرزند		چین از کالیفرنیا.
رضا شهرت آقا بائی (از فلورانس)		۶ - محمود فرزندی فرزند
کمونیست کمیته مرکزی حزب		محمد علی از کمونیست‌های طرفدار
منحله بود.		چین از واشنگتن.
۵۱ - محمود شهرت بزرگ		۷ - منصور امین زاده فرزند
مهر فرزند حسین دانشجوی ایرانی		محمد جواد از کمونیست‌های طرفدار
مقیم فرانسه (پاریس) از کمونیست‌های		چین از واشنگتن.
طرفدار چین		۸ - بیژن نعمی اکبر فرزند
۵۲ - محمود شهرت فقیر محمد		ابراهیم از سازمان مارکسیست،
افغانی فرزند محمد، جبهه با اصطلاح		لنینیستی طوفان از مونیخ.
ملی از وین		۹ - کوو مرت ثریا فرزند
۵۳ - سعید شهرت صدر		محمد تقی از سازمان مارکسیست،
فرزند حسین کمونیست طرفدار		لنینیستی طوفان از مونیخ.
کمیته مرکزی حزب منحله توده		۱۰ - منصور سحر خیز فرزند
۵۴ - حمید شهرت صدر		غلامحسین از جبهه با اصطلاح ملی
فرزند حسین کمونیست طرفدار		از مونیخ.
کمیته مرکزی حزب منحله توده		۱۱ - دارد دانائی ثابت
۵۵ - همایون شهرت سبنا		فرزند محمد از سازمان مارکسیستی،
فرزند حسن کمونیست طرفدار		لنینیستی طوفان از مونیخ.
کمیته مرکزی حزب منحله توده		

